

# آمادگی خواندن و عوامل مؤثر بر آن

## در سنین پیش از دبستان

معرفی مقاله

نوشته: دکتر فرخنده مفیدی

یکی از مباحث عمده در آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، بحث آمادگی خواندن و درک کودکان از این طریق است. سؤالاتی چون: "آیا کودکان در سنین پیش از دبستان توانایی و آمادگیهای لازم را برای خواندن دارند؟"، "آیا ما باید برنامه‌هایی برای آموزش خواندن در دوران اولیه کودکی داشته باشیم؟" و "آیا برنامه‌های خواندن در دوره پیش از دبستان چه اثراتی بر درک کودکان این سنین دارد؟" از جمله حساس‌ترین سؤالاتی هستند که از دیدگاه بسیاری از دست‌اندرکاران و مربیان و خانواده‌ها مطرح شده و گستره‌ای از ابهام را شکل داده‌اند.

بر این اساس، مقاله حاضر مفهوم "آمادگی خواندن" را در کودکان مورد ملاحظه قرار داده و به بررسی یافته‌های تحقیقاتی انجام شده در این رشته پرداخته است. مباحث عمده و مهم دیگر در این مقاله عبارتند از:

- معرفی عوامل مؤثر بر آمادگیهای خواندن در کودکان مانند:

۱. آمادگی جسمانی
۲. آمادگی ادراکی
۳. آمادگی شناختی

۴. آمادگی زبانی

۵. آمادگی عاطفی

۶. آمادگی محیطی - تجربی

علاوه بر این نویسنده مقاله، همچنین خوانندگان، دانشجویان و معلمان را برای تحقیقات بیشتر در این زمینه مورد تشویق قرار داده است و سرانجام توصیه‌ها و پیشنهاداتی را به مربیان و خانواده‌های کودکان ارائه داده است.

این مقاله را خانم دکتر فرخنده مفیدی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و مدیر گروه آموزش و پرورش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی در اختیار فصلنامه قرار داده است که به این وسیله از ایشان تشکر می‌شود.

«فصلنامه»



## مقدمه:

بسیاری از نظریه پردازان یادگیری، در طی شصت سال گذشته، به والدین و مربیان توصیه کرده‌اند که: "خواندن را به کودکان خود در سنین اولیه آموزش ندهند". زیرا این نوع آمادگی را در رابطه نزدیک با سن کودک می‌دانستند به همین جهت تاوقتی کودکان به سن عقلی شش سال و شش ماه نمی‌رسیدند، به آنها اجازه داده نمی‌شد که با مفاهیم خواندن آشنا شوند و کسب مهارت‌های خواندن را برای کودکان سنین پیش از دبستان جایز نمی‌دانستند. راون<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) (۱)، آمادگی خواندن را به عنوان "حالتی که کودک را قادر می‌سازد تا بدون فشار، تحمیل و یا دشواری خواندن را فرا بگیرد، تعریف کرده‌است و تا مدتها نیز مفهوم آمادگی به منظور تشریح آماده کردن کودکان برای زندگی مدرسه‌ای و آموزش‌های سنین بالاتر مورد استفاده قرار گرفته‌است. (چارلزورث<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷) (۲). به همین جهت آموزش خواندن به کودکان تا شروع آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای به تعویق افتاده‌است. ولی امروزه، تحقیقات فراوانی در زمینه خواندن و نوشتن و آمادگی‌های کودکان در سنین پیش از دبستان انجام گرفته که یافته‌های آنها دانش و درک تازه و عمیقتری را در این باره بدست می‌دهد (آمبرون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷) (۳). تفکر اندیشمندان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت امروزی از نظر کسب آمادگی‌های خواندن در کودکان در بسیاری موارد نقطه مقابل دیدگاه‌های قبلی است یعنی آمادگی خواندن را وابسته به عوامل بسیاری می‌دانند که برای کودکان مختلف در زمانهای متفاوت به وقوع می‌پیوندد. دیدگاه‌های امروزی ما را در این جهت هدایت می‌کنند که کودکان حتی از زمان تولد در مسیر آمادگی برای خواندن قرار می‌گیرند و این نوع آمادگی نتیجه ترکیبی از تجارب رشنی<sup>۴</sup> و یادگیری تدارک دیده‌شده از طریق محیط پیرامون کودک می‌باشد. نتایج تحقیقات اخیر به‌طور عمده حاکی از این است که کودکان در سنین پیش از دبستان آمادگی کسب مهارت‌های اساسی زیر را دارا می‌باشند:

۱. نامیدن حروف و صدای آنها.
۲. درک ارتباط بین اصوات و حروف مربوط به آنها.
۳. ترکیب کردن صداها و درست کردن کلمات کوتاه.
۴. تشخیص بسیاری از حروف اضافه و ضمائر و رابط‌مانند از، بعضی، برای، اینها و آنها و مواردی از این قبیل.

از طرفی، بسیاری از کودکان در سنین پیش از دبستان، برای شروع خواندن اشتیاق

فراوانی نشان می‌دهند و از تماشای کتابها، روزنامه‌ها و نوشته‌ها لذت وافر می‌برند. آنها از قصه و داستانی که بزرگترها برایشان می‌خوانند خوشحال شده و دوست دارند مطالب برایشان خوانده شود. در بسیاری اوقات نیز حروف و کلمات نوشته شده را مورد پرسش قرار می‌دهند. البته شایان ذکر است، چنانچه چنین اشتیاقی مشاهده نشود و کودکان این سنین مهارت‌های اساسی و زیربنایی ذکر شده را کسب نکرده باشند، والدین و مربیان نباید آنها را مجبور به یادگیری و خواندن نمایند. زیرا تحمیل و اجبار برای خواندن زودتر از موعد جایز نیست و چه بسا سبب سرخوردگی، ناامیدی و ناراحتی کودکان و والدین گردد. دیوبدالکائید<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) (۴) مفهوم "کودک عجول"<sup>۲</sup> را مورد بحث قرار داده و اشاره دارد که تأکید بر آموزش‌های رسمی و پیش از موعد و بدون کسب آمادگی در این دوره اگر چه ممکن است تا دوره‌های بعد و سنین بالاتر اثرات زیان‌بار خود را به طور بارز نشان ندهد، اما می‌تواند ریشه در این دوران داشته باشد.

به‌هرحال، از تحقیقات در زمینه خواندن کودکان<sup>۳</sup>، در می‌یابیم که بسیاری از کودکان تا قبل از پنج سالگی به‌وسیلهٔ معلمان غیر حرفه‌ای و خارج از محیط مدرسه آموزش دیده و قادر به یادگیری خواندن بوده‌اند، به‌طوری‌که حداقل به همان خوبی نخوانها<sup>۴</sup> و نوسوادان در مدرسه، از عهده این کار برآمده‌اند. لازم به ذکر است که شواهد و تحقیقات مبنی بر اثرات صدمه‌زننده و آسیب‌رسان بر رشد فیزیکی یا توانایی بینایی کودکان در این زمینه در دست نیست و تا رسیدن به نتایج تحقیقات در حال انجام، احتیاط در نتیجه‌گیری‌های کلی لازم است. تأثیر برنامه‌های آموزشی تلویزیون در یاد دادن حروف الفباء<sup>۵</sup>، افزایش تعداد کودکانی که وارد مهدکودکها و مراکز پیش دبستانی می‌شوند و با وسایل و ابزار آموزشی مواجه می‌شوند و نیز ازدیاد علاقه والدین به خواندن کودکانشان در سنین پیش از دبستان، بدون شک از جمله عواملی هستند که فعالیت خواندن و یادگیری را در این سنین، بیش از گذشته میسر می‌سازد و بر تعداد کودکانی که قبل از شروع رسمی مدرسه می‌توانند بخوانند افزوده است.

#### عوامل مؤثر در کسب آمادگیهای خواندن:

عوامل بسیاری در کسب آمادگی برای خواندن دخالت دارند. یادگیری خواندن یک شبه صورت نمی‌گیرد، بلکه نیاز به دوره آماده سازی نسبتاً طولانی دارد. هال ،

روبوویچ و رامیک،<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۹) ۵ شش عامل زیر را به عنوان عوامل تأثیرگذار است در آمادگی برای خواندن مورد بحث قرار داده‌اند:

۱- آمادگی جسمی

۲- آمادگی ادراکی

۳- آمادگی شناختی

۴- آمادگی زبانی

۵- آمادگی عاطفی

۶- آمادگی محیطی - تجربی

البته دارا بودن و نبودن یکی از عوامل لزوماً تعیین کننده توانایی کودک برای یادگیری خواندن نیست. خواندن روندی پیچیده است و ارتباط درونی عناصر تشکیل دهنده آن بر پیشرفت خواندن کودک تأثیرگذار است و به همین جهت ابتدا به تشریح این عوامل خواهیم پرداخت:

### ۱. آمادگی جسمانی:

کودکی که از نظر بهداشت عمومی در وضعیت ضعیفی قرار دارد و نیازهای او در زمینه تغذیه مناسب و استراحت برآورده نشده است، ممکن است در یادگیری خواندن دشواری داشته باشد. کودکانی که از تقایص شنوایی و بینایی رنج می‌برند و یا آنهایی که تأخیر در گفتار داشته و یا دشواریهای جسمی دیگری دارند، قبل از مواجه شدن با روند یادگیری خواندن، به توجه ویژه نیازمندند. بنابراین بهداشت عمومی ضعیف سبب غیبتهای مکرر و طولانی از مدرسه و یا خستگی و کاهش توجه و تمرکز می‌شود و در نتیجه توانایی یادگیری کودک را محدود می‌سازد.

### ۲. آمادگی ادراکی:

خواندن مستلزم ارتباط زبان نوشتاری با زبان گفتاری است. برقراری چنین ارتباطی مستلزم تشخیص و تمیز میان حروف و صداها است. اگر چه بعضی کودکان ممکن است بدون دشواری قادر به دیدن و شنیدن باشند، اما در عین حال در تشخیص شباهتها و تفاوتهای صداها و حروف دشواری پیدا می‌کنند. بعضی کودکان نیز نیاز به تمرین، تمرکز، توجه به

جزئیات و رشد مهارت در مشاهده کردن دارند.

لازم به ذکر است که توانایی تشخیص حروف الفبا هر زبان و بازشناسی حروف از یکدیگر، اساس فراگرفتن خواندن است. شروع فراگیری حروف الفبا در بسیاری از کودکان در سالهای پایان دوره پیش از دبستان یعنی حدود پنج و یا پنج سال و نیم صورت می‌پذیرد و دقیقاً سنی است که بیشتر کودکان مدرسه رفتن را در بسیاری از کشورها آغاز می‌کنند. البته واقعیت این است که تنها راه یادگیری حروف الفبا رفتن به مدرسه و آغاز آموزش رسمی نیست. یک کودک قبل از حضور فیزیکی در مدرسه، از طریق روزنامه، مجلات، کتابها و علایم قراردادی گوناگون در رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون، مقادیر متنابهی از حروف الفباء را فرا می‌گیرد. در ابتدا، حروف برای او بیشتر به صورت اشکال متغیر به نظر می‌آیند ولی بعداً الگو و طرح ذهنی آنها به سرعت در ذهنشان شکل می‌گیرد و این همان زمانی است که کودک می‌تواند عناصر و اجزاء زبان گفتاری و سخنگویی خود را تشخیص دهد. سرانجام، آمادگی خواندن را پیدا کرده و به مدرسه می‌رود. در واقع چون کودکان آمادگی خواندن را پیدا کرده‌اند، مدرسه رفتن را آغاز می‌کنند.

محققانی چون کاسلر<sup>۱۲</sup>، هسیه و بهاسین<sup>(۶)</sup>، نشان داده‌اند که چنین روندی بین کودکان سنین پیش دبستانی در بسیاری از جوامع صادق است. آنها چنین استدلال می‌کنند که چون بخش مهمی از یادگیری حروف الفباء به صورت غیررسمی و قبل از شروع مدرسه صورت می‌گیرد، کودکان باید قادر به تشخیص بین حروف (حتی کلمات) نوشته شده در زبان خود در مقایسه با حروف الفباء ناآشنا و بیگانه در زبانهای دیگر باشند. کاسلر و همکاران وی تعداد ۱۵۳ کودک دختر و پسر را در تایوان، هندوستان و ایالات متحده آمریکا مورد آزمایش قرار دادند. کلیه کودکان را به سه گروه سنی تقسیم کرده و سپس آنها را به منظور دریافت چگونگی قدرت تشخیص حروف الفبای چینی، هندی و لاتین (انگلیسی به حروف زبان یونانی نوشته شده بود)، مورد آزمون قرار دادند. نتایج این مطالعه، در کودکان جوامع مورد مطالعه قابل تعمیم بود. دو گروه سنی جوانتر، قادر به تشخیص حروف الفبا در زبانهای مختلف ارائه شده نبودند. برای مثال، کودکان آمریکایی، نمی‌توانستند حرف "b" را از حرف "w" بهتر از دو حرف از الفبای چینی تشخیص دهند. در حالی که گروه سنی بالاتر، یعنی کودکان سنین پنج و پنج و نیم ساله به نحو معنی‌داری، قدرت تشخیص بهتری داشتند و این در حالی است که هیچکدام از گروهها، هیچ نوع آموزش خواندن را دریافت

نکرده بودند. ضمناً کودکان هندی در حروف زبان هندی، کودکان چینی در تشخیص حروف چینی و کودکان آمریکایی در تشخیص حروف لاتین قابلیت تشخیص بهتری از خود نشان می دادند.

در اینجا سؤالی مطرح می گردد که یافته های چنین تحقیقی بیان کننده چه چیزی است؟ قسمتی از پاسخ با افزایش سن کودکان در رابطه است، یعنی با افزایش سن کودکان پیش دبستانی قدرت تمیز و تشخیص بهتری پیدا می کنند و قادر به بازشناسی حروف الفبا از یکدیگر می شوند. طبیعی است که یادگیری خواندن در این حد به رشد و رشد مغزی و دیگر عوامل درونی کودکان ارتباط دارد. اما با وجود این، عامل مهم توانایی و رشد اجتماعی کودکان را نباید از نظر دور داشت و در حقیقت قسمت زیادی از آمادگی خواندن کودکان از عوامل اجتماعی نشأت می گیرد. در این تحقیقات بعضی از کودکانی که برنامه های آموزشی تلویزیون (مانند خیابان سه سامی) را مورد مشاهده قرار داده بودند حتی در سن ۳ سالگی قادر به تشخیص و بازشناسی حروف از یکدیگر بودند. اینگونه برنامه ها که مورد علاقه کودکان است، به طریقی لذت بخش و دوست داشتنی و غیررسمی حروف الفباء را به کودکان این سنین آموزش می دهند. بهرحال، با افزایش کتاب، روزنامه ها، اسباب بازیها و رسانه ها (بویژه تلویزیون) در محیط پیرامون کودکان این سنین و کسب تجربه از این طریق، گامی اساسی در یادگیریها و آمادگی کودکان برای خواندن برداشته می شود.

### ۳. آمادگی شناختی:

خواندن روندی شناختی است، و عناصری چون میزان درک، قدرت حل مسأله و استدلال کردن مستلزم قابلیت های هوشی و ذهنی است به همین جهت، افراد عقب مانده ذهنی شدید قادر به یادگیری خواندن نیستند. البته بهره هوشی بالا نیز تنها پیش نیاز لازم در این روند محسوب نمی شود. در اینجا لازم به ذکر است که زمانی چنین تصوّر می رفت که کودکان باید به سن عقلی شش و نیم سالگی برسند تا بتوانند بخوانند (مورفت<sup>۱۳</sup> و واشبرن، ۱۹۳۱) (۷). ولی مطالعات دیگر نشان می دهند که نوع آموزش به مراتب مهمتر از رسیدن به سن عقلی ویژه است. (دورکین<sup>۱۴</sup>، ۱۹۶۶) (۸). تجربیات امروزی در مورد برنامه های آموزشی پیش از دبستان نشان می دهند که نوع برنامه درسی، رابطه کودک با معلّم و

همردیفان و موقعیت خانوادگی او در دوران مدرسه، همه از جمله عوامل مهمی هستند که بر موفقیت یادگیری خواندن کودکان و میزان آمادگی آنان اثر می‌گذارند.

#### ۴. آمادگی زبان:

کودکان پیش دبستانی معمولاً، از نظر زبان شفاهی و گفتاری مهارت‌های لازم را دارند. از آنجا که اساس درک کودک از مطالب نوشته شده، در مهارت‌های زبانی نهفته است، آمادگی زبانی کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است. بعضی از کودکان به علت نداشتن فرصت‌های مناسب برای حرف زدن و گوش دادن، به نسبت کودکان دیگری که از این فرصت‌های غنی برخوردارند، روانی کلامی ضعیفتری دارند (۹). اینگونه کودکان قبل از شروع آموزش‌های خواندن و ورود به روند آموزش رسمی، حتماً نیاز به فرصت‌های بیشتر در مهارت‌های کلامی، صحبت کردن و شنیدن دارند.

#### ۵. آمادگی عاطفی:

آمادگی و رشد عاطفی کودکان در یادگیری به همان نسبت سلامت فیزیکی و رشد شناختی حائز اهمیت است. کودکان ممکن است از نظر قابلیت‌های زبانی، آمادگی ذهنی و توانایی جسمی، مساعد باشند ولی در عین حال از نظر خواندن و پذیرش تکالیف مربوط به خواندن دارای دشواری باشند. چگونگی احساس کودکان نسبت به خود، مدرسه، و دیگران در توانایی یادگیری خواندن آنها تأثیر بسزایی دارد (مفیدی<sup>۱۶</sup>، ۱۹۷۹) (۱۰).

بهرحال، دشواری‌های عاطفی ممکن است علی‌رغم وجود بسیاری از عوامل دیگر، آمادگی خواندن و یادگیری او را محدود و ضعیف سازد:

#### ۶. آمادگی محیطی - تجربی:

برای اینکه کودکان معنی خواندن‌ها را دریابند، نیاز به تجربه در رابطه با مفاهیم خواندنی دارند. بسیاری از کودکان با پیشینه تجربی بسیار غنی به برنامه‌های آموزشی اولیه راه می‌یابند. زیرا والدینشان برای آنها کتابهای زیادی خوانده‌اند، آنها را به گردش و مسافرت و مشاهده طبیعت و محیط پیرامون، دیدار دوستان و آشنایان و غیره برده‌اند. این کودکان از والدینی برخوردار بوده‌اند که با آنها ارتباط کلامی خوبی برقرار کرده‌اند و



پرسشهای آنها را بخوبی پاسخ داده و تجربیات خود را در هر زمینه به زبان ساده به آنها منتقل کرده‌اند (سیفلد و باربور، ۱۹۸۶).<sup>۱۷</sup>

طبیعی است که کودکان در چنین محیطها و خانه‌هایی، براساس تجربیات خود مفاهیم بسیاری را قبل از ورود به مدرسه فرا می‌گیرند و آمادگی آنها برای خواندن در مقایسه با کودکان بدون تجربه قبلی، بیشتر است. در بسیاری از جوامع بدین منظور تجربیاتی برای وسعت بخشیدن به درک مفاهیم کودکان این سنین طراحی می‌شود، مواردی چون تدارک گردشهای علمی، کتابخوانی، مشاهده فیلم، تصاویر، فعالیتهای گروهی، بازی و هنرهای ویژه، آشنایی با موسیقی، علوم یا پروژه‌های در رابطه با مطالعات اجتماعی را به منظور آماده‌سازی کودکان برای درک مفاهیم خواندن لازم و ضروری می‌دانند.

در پایان لازم به ذکر است که دیدگاههای امروزی، ما را در این جهت هدایت می‌کنند که کودکان حتی از زمان تولد در مسیر آمادگی برای خواندن قرار می‌گیرند و این نوع از آمادگی نتیجه ترکیبی از تجارب رشی و یادگیریهای تدارک دیده شده از طریق محیط و پیرامون کودک است. به همین جهت معلمان و مربیان باید مشاهدات مستقیم و دقیقی در رابطه با مهارتهای آمادگی خواندن کودکان این سنین داشته باشند تا به تواناییها و میزان آمادگیهای خواندن آنها پی ببرند و از راههای مختلفی چون آزمونهای استاندارد شده و چک لیستهای تعیین آمادگی، قابلیت‌های آنان را در آغاز ورود به مدرسه مورد سنجش قرار دهند. در اینجا از جهت هدایت بیشتر بحث راهبردهای عملی زیر برای مربیان، دست‌اندرکاران آموزش پیش از دبستان و والدین و خانواده‌ها ارائه می‌گردد:

۱. در دنیای امروز، کودکان خردسال برای تطابق با سرعت و حرکت روزافزون هم از نظر اجتماعی و هم از نظر هوشی تحت فشار قرار می‌گیرند، بنابراین کسانی که با کودکان این سنین در رابطه هستند باید درک و شناخت بیشتری نسبت به قابلیت‌ها و تواناییهای آنها پیدا کنند و دانش خود را در زمینه تعامل با کودکان بکار گیرند.

۲. بسیار حائز اهمیت است که بزرگترها و افرادی که با کودکان کار می‌کنند، به مفهوم «آمادگی» به عنوان ترکیبی از رشد و یادگیریهای محیطی - تجربی کودکان پی ببرند.

۳. سنجش رسمی از آمادگی خواندن کودکان باید با مراقبت و احتیاط صورت گیرد و ابزارهای اندازه‌گیری مناسب برای آمادگیهای کودکان نیز باید تحت شرایط مطلوب و با درک کامل از نقاط قوت و ضعف تستها و استفاده از نتایج آنها مورد استفاده قرار گیرند.

۴. علاوه بر آماده‌سازی کودکان به منظور تعلیم و تربیت بهتر در سطوح بالاتر، آموزش پیش از دبستان باید کودکان را در کسب مهارت‌های لازم مورد حمایت قرار دهد و آنها را برای تطابق با دنیای پیچیده و تکنیک - محور آماده کند.

۵. نگرش جامعه نسبت به قابلیت‌های یادگیری کودکان در سنین پیش از دبستان باید وضعیت بهتری پیدا کند و از طریق رویکردهای مناسب کار با کودکان خردسال، مریان و دست‌اندرکاران آموزشی بتوانند وضعیتی انسان‌گرایانه و بدور از سطحی‌نگری در یادگیری‌های آنها فراهم آورند.

سرانجام اینکه مقاله حاضر نوعی آماده‌سازی ذهنی و نیز انگیزه برای تحقیقات بیشتر در این زمینه است که انشاء... میسر گردد.



ژورنال مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## زیرنویسها:

1. Reading Readiness.
2. Rowen , Betty , 1983.
3. Charles Worth, 1986.
4. Ambron , sue Ann , 1983.
5. Maturation.
6. David Elkind , 1986.
7. Hurried child.
8. Durkin , 1966.
9. Early Readers.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال ۱۳۹۸

۱۰. هم‌اکنون قسمتی از برنامه روزانه کودکان و خردسالان تلویزیون ایران به آموزش حروف الفباء اختصاص دارد و به روشی بسیار عینی کودکان این سنین را با نام حروف و صدای آنها آشنا می‌کند. و همراه با مثالهای متعددی چگونگی ترکیب حروف و صداها و درست کردن جمله را به آنها آموزش می‌دهد. برنامه‌های آموزشی چون "کمپانی الکتریک" و "خیابان سه‌سامی" نمونه‌های دیگری از اینگونه آماده‌سازی کودکان پیش‌دستانی در کشورهای دیگر می‌باشند.

11. Hall, Robovich, And Ramig (1969).
12. Keislar, Hsieh, And Bhasin (1972).
13. Morphett And washburne, 1931.
14. Durkin, D. 1966.
15. Mofidi, 1979.
16. Mofid, 1980.
17. Seefeldt Carol And Barbour, Nita (1986).



## منابع :

1. Rowen Betty, **the children we see**, Holt and winston, Inc, 1983.
2. Charlesworth, Rosalind, **Understanding Child Development**, Delmar Publisher's Inc, 1987.
3. Ambron, Sue Ann, **Child Development**, Holt And winston, Inc, 1987.
4. Elkind, David, **Formal Education And Early Childhood Education**, 1986, An Essential Difference, Phi Delta, Kappan, 66, 631 - 636.
5. Hall, Rivorich And Ramig, **Reading And the Elementary school**, New York, 1979.
6. Keislar, Hsieh, And Bhasin. **An Inter Cultural study in Reading teacher**, 1972.
7. Morphett, And washburne, "**when should children Learn to Read?**" in Elementary school, Journal, 29, 496 - 503.
8. Durkin, D. **Children Read Early**, New York, 1966.
9. Mofidi, Farkhondch, **Effects of Divorce And the consequent Absence of one Parent on the Language Development of 3-5 year old nursery School children**, 1980.
10. Mofidi, Farkhondch, **Self - Concept And Reading Readiness in children Research**, 1979.